

حمایت کیفری از اطفال در فقه حنفی، امامی و قوانین جزایی افغانستان

شمس الدین وطن یار^۱

محمدناصر واعظی^۲

چکیده

با وجود اطفال نسل بشر تکامل یافته و بقای بشریت تضمین می شود، اطفال پایه های خانواده را مستحکم می کنند و به مثابه ی ستون فقرات جامعه دارای اهمیت و ارزش هستند. بر همین اساس، اطفال هم در شریعت اسلامی و هم در قوانین وضعی از حقوق و امتیازاتی برخوردارند؛ اعم از این که بزه کار باشند یا بزه دیده، باید مورد توجه و حمایت قرار گیرند. در این مقاله کوشش شده است که در جرائم زنا، سرقت، قذف و... حمایت های کیفری از اطفال از دیدگاه فقه حنفی، امامی و قوانین جزایی کشور بررسی شود. روش تحقیق، تحلیلی توصیفی است و از طریق مطالعه کتابخانه ای منابع معتبر فقهی و قوانین وضعی در مورد مسئله ی مورد پژوهش بررسی شده اند.

کلیدواژه ها: اطفال، فقه، حمایت، جزایی، بزه، قانون

۱. گروه جرم و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)، کابل، افغانستان.

۲. گروه فقه و معارف، مؤسسه علوم انسانی، جامعة المصطفی (ص) العالمية، کابل، افغانستان.

مقدمه

با توجه به اینکه اطفال و کودکان از جایگاه بسیار مهمی در جامعه برخوردارند و همه به شمول دولت مکلف به حمایت و پشتیبانی از آنها هستند، توجه به مسائل مربوط به آنها امری است لازم. یکی از موضوعات مهم در این زمینه انواع بزه‌هایی است که بالای طفل صورت می‌گیرد و یا خود اطفال انجام می‌دهند؛ بنابراین اگر احیاناً اطفال مورد بزه قرار گرفت و یا بزه‌کار شد به منظور حمایت‌های کیفری از آنها چه باید کرد و چه راهکارهایی در این زمینه وجود دارد، فقه چه حمایت‌های می‌تواند انجام دهد یا انجام داده است و همچنان قوانین جزایی کشور چه حمایت‌های را در این زمینه مد نظر قرار داده است؟ در این مقاله کوشش می‌شود تا پاسخ پرسش‌های یادشده را از منظر فقه و قوانین موضوعه به دست آوریم.

۱. مفاهیم

۱-۱. حمایت

حمایت واژه عربی از ریشه حمی به معنای نگهداری کردن از کسی و پشتیبانی کردن است. حمایتگر؛ یعنی نگهبان، پشتیبان. (امینی، ۱۳۹۶: ۳۴)

در اصطلاح دانشمندان علم حقوق، «به عملکرد عوامل انسانی که درصدد دفاع از حقوق آسیب‌دیدگان برآید و سرانجام، زمینه بزه‌دیدگی افراد از جامعه را به‌طور کلی محو یا به حداقل آن برساند، اصطلاحاً حمایت اطلاق می‌شود.» حمایت به شیوه‌های گوناگون ممکن است تحقق یابد و هر شیوه‌ای، جایگاه خاص خود را دارد. یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین نوع حمایت، حمایت کیفری است که از طریق جزا دادن خاطی و عامل بزه، متناسب با نوع بزه انجام‌شده از سوی یک مرجع ذیصلاح، اعمال می‌شود. این عملکرد می‌تواند به نحوی حمایت از بزه‌دیده نیز تلقی شود. (امینی، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۴)

۱-۲. کیفر

بر پایه کود جزای افغانستان: «جزا عبارت از مؤیده‌ای است که در قانون برای اعمال جرمی پیش‌بینی شده و از طرف محکمه در مورد مرتکب با رعایت اساسات این قانون، حکم می‌شود.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ماده ۱۳۴)

۳-۱. طفل

طفل در لغت مولود و به معنی تولد شده است؛ و در اصطلاح طفل عبارت است از پسر و دختری که از لحاظ سنی به حد رشد جسمی و فکری نرسیده باشد. (یوسفزی، ۱۳۹۷: ۶) و «طفل به شخصی اطلاق می‌گردد که هجده سال را تکمیل نکرده باشد.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ماده ۹۵)

۴-۱. فقه

فقه در لغت، مصدر است از باب سمع و کرم می‌آید. از سمع به معنی دانستن و فهمیدن چیزی، چیزی را گشودن و واضح نمودن و از کرم به معنی فقیه شدن، در علم غالب شدن. فقه به کسر قاف دانستن و به فتح قاف دیگر را فهمانیدن، به ضم قاف کمال پیدا کردن و حصول مهارت است. علامه زمخشری می‌نویسد: «الفقه حقیقة الشق والفتح والفقیه العالم الذی یشق الاحکام و یفتش عن حقائقها و یفتح ما استغلق منها.» معنی لغوی فقه چیزی را گشودن و واضح نمودن است و فقیه آن عالمی را می‌گویند که احکام شرعیه را واضح نماید و حقائق آن را سراغ بررسی کرده و مسائل مغلق و پیچیده را واضح نماید» (مولانا شاه فیصل، بی تا: ۳۰)

۵-۱. قانون

«قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح ریس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طوری دیگری تصریح گردیده باشد.» (قانون اساسی، ۱۳۸۲: ماده ۹۴)

۲. مسئولیت کیفری

۱-۲. مفهوم مسئولیت کیفری

مسئولیت عبارت از وجبیه پاسخ دادن از اعمال خود و نتایج آن و بعضاً هم وجبیه پاسخ دادن از اعمال غیر و نتایج آن است. (صاحبزاده، ۱۳۹۴: ۲۲۷)

۱-۱-۲. ویژگی‌های مسئولیت کیفری

ویژگی‌های مسئولیت کیفری را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. نخستین ویژگی مسئولیت جزایی، اهلیت جزایی مرتکب جرم است.
۲. مسئولیت جزایی امر شخصی است و از یک شخص به دیگری انتقال نمی‌نماید. هرکس مسئول عمل ارتكابی خود دانسته می‌شود.
۳. مسئولیت جزایی صرف متوجه انسان است، آن‌هم انسانی که زنده باشد.
۴. ارکان یا عناصر مسئولیت جزایی عبارت است از عقل، بلوغ، اختیار، عمل، قصد و تقصیر جزایی.
۵. مسئولیت جزایی دارای درجه است، طوری که گاهی مسئولیت جزایی کامل و زمانی هم ناقص است.
۶. مسئولیت جزایی هم جنبه بالفعل دارد و هم جنبه بالقوه.
۷. مسئولیت جزایی هم شامل اشخاص حقیقی می‌گردد و هم اشخاص حکمی را در برمی‌گیرد.
۸. اهلیت جزایی و مدنی از هم متفاوت است؛ زیرا حالاتی وجود دارد که شخص فاقد مسئولیت جزایی است، اما مسئول مدنی شناخته می‌شود. (حنیف، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۴)

۲-۱-۲. عناصر مسئولیت کیفری

الف) عقل و شعور: ممیزه انسان از سایر موجودات عالم، عقل است. عقل که به معانی مختلف خرد، هوش، فهم و درک اشیا به کار رفته، بهترین معیار فضیلت و کرامت انسان تلقی شده و در واقع نیروی است که با استفاده از آن انسان قادر می‌گردد تا خوب و بد اشیا و افعال را درک نموده و رفتار خود را در مطابقت با آن سازمان دهد. در حقوق جزا برای آن که شخصی را مسئول جزایی بدانیم، داشتن شعور و رشد عقلی ضروری دانسته می‌شود. شخصی که رشد عقلی وی کامل نشده و یا اینکه در رشد عقلی وی مشکل وجود داشته و شعور و ادراک وی دچار اختلال شده باشد، نمی‌توان او را مسئول جزایی پنداشت. موضوع جنون در قانون جزا به صراحت در نظر گرفته شده است، اما این موضوع کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اختلالات روانی از جمله موضوعات جدیدی است که علم طب نقش آن را تثبیت کرده است.

ب) ادراک و تمیز: ادراک عبارت است از آگاهی یافتن از موضوعات و یا فهم آن‌ها، یا برداشتی است که انسان نسبت به پدیده‌ها دارد؛ به عبارت دیگر، ادراک عبارت است از قدرت و توانایی بر درک و تمیز ماهیت افعال و آثار و در اصطلاح حقوق جزا، قدرت و توانایی فهم و ماهیت افعال و درک آثار آن.

بنابراین، شخصی که دارای درک و تمیز یا شناخت خوب و بد اعمال و رفتار است دارای قوه درک و تمیز است. تا زمانی که افراد قادر به درک و تمیز رفتار و کردار خود نباشند، مجازات آن‌ها امر عاقلانه دانسته نمی‌شود.

ج) اراده و اختیار: یکی دیگر از عناصر مسئولیت جزایی داشتن اراده آزاد و اختیار است. داشتن اراده به معنای آن است که شخص طوری که می‌خواهد توانایی انجام کاری را داشته باشد. اراده و اختیار به انسان‌ها این قدرت را می‌دهد تا طوری که می‌خواهند با داشتن اختیار و صلاحیت، رفتاری را انجام دهند. بنابراین، اگر شخصی بدون داشتن اراده و اختیار مرتکب رفتاری شود، نمی‌توان وی را مسئول جزایی دانست.

د) قصد و تقصیر: در حقوق جزا جرائم به دو دسته تقسیم شده‌اند. یکی جرائم عمدی و دیگری جرائم غیر عمدی یا خطا. در جرائم عمدی موجود بودن دو شرط ضروری است: ۱. آگاهی به رفتار مجرمانه و ارتکاب آن؛

۲. داشتن قصد مجرمانه یا داشتن سوءنیت مبنی بر ارتکاب رفتار مجرمانه.

تفاوت ندارد که قصد عام باشد یا خاص؛ زیرا موجودیت قصد خاص صرف در رابطه به تعیین اندازه مجازات تأثیر دارد. طبق حکم قانون جزا، ارتکاب جرائم خطایی یا غیرعمدی مربوط به تقصیر شخص است، اعم از اینکه تقصیر ناشی از بی احتیاطی باشد یا بی‌مبالاتی، غفلت، عدم مهارت و غیره. بر اساس ماده ۶۵ قانون جزا، «مسئولیت جزایی وقتی به وجود می‌آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود.» از اینکه داشتن علم و اراده از جمله عناصر تشکیل‌دهنده عنصر معنوی می‌باشند، داشتن علم و آگاهی با قدرت تشخیص ارتباط بسیار نزدیک دارد، لذا داشتن اراده آزاد نیز در هر دو مورد مشترک است. (حنیف، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۸)

۳-۱-۲. انواع موانع مسئولیت کیفری

طبق ماده ۸۸ کود جزای افغانستان، انواع موانع مسئولیت جزایی عبارت‌اند از:

- جنون و امراض روانی
- سکر، خواب یا بی‌هوشی
- طفولیت
- اضطراب
- اکراه (کود جزا، ۱۳۹۶: ماده ۸۸)

۳. حمایت کیفری از اطفال بزه‌کار در فقه حنفی، امامی و قوانین جزایی

۳-۱. فقه حنفی

الف) جرم زنا: صغیر و مجنون اهلیت ندارد؛ بنابراین در صورت مقاربت با زن بیگانه، حد بر آن‌ها جاری نمی‌شود؛ صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و دیوانه پس از افاقه، مستوجب جزای حد می‌شوند، باین‌همه، اگر صغیر ممیز باشد، تعزیر خواهد شد.
(عوده، ۱۳۹۴، ج ۲: ۴۱۶)

ب) جرم قذف: اگر صبی یا دیوانه همسر خود یا فرد دیگری را قذف کند، حدی بر کودک و دیوانه نیست و همین‌طور لعان نیز بین دیوانه و همسرش و یا صبی و همسرش وجود ندارد؛ نه در آن حال و نه بعد از بلوغ؛ زیرا تکلیف این دو به دلیل حدیث رفع القلم، ساقط است؛ اما کودک و دیوانه از جهت قذفی که نمودند تأدیب می‌شوند. در صورتی که قدرت تمیز و تشخیص داشته باشند. ولی چنانچه اگر کودک در دوران کودکی تأدیب نشد بعد از بلوغ اجرای تأدیب از او ساقط است. (فرقانی، ۱۳۸۷: ص ۱۸۱)

ج) جرم سرقت: در مورد سرقت مصنف می‌گوید اگر فردی عاقل، بالغ ده درهم یا چیزی که قیمت آن مساوی ده درهم است از جای محافظت‌شده دزدی کند و در دزدی آن شبه نباشد، در صورت موجود بودن این شرایط، قطع دست سارق واجب است. دلیل این حکم قول خداوند است که فرمود: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که

انجام داده‌اند، به‌عنوان يك مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.
(مانده، ۳۸)

در سارق عقل و بلوغ شرایط ضروریه است چرا که جنایت بدون آن‌ها متحقق نمی‌شود؛ یعنی در کسی که عقل نباشد پس اگر او جرم کند مجرم نباشد؛ اما طفل، غیر مکلف باشد پس اگر گناه کند در حق او گناه نباشد و قطع ید جزای گناه است؛ یعنی دست در صورت اثبات جرم قطع کرده شود. در حصه مجنون و طفل سرقه جرم نیست پس قطع ید هم جائز نشد. (مولانا شاه فیصل، بی تا، ج ۴: ۱۷۶)

۲-۳. فقه امامی

الف) جرم زنا: علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام می‌فرماید: «لا حَدَّ عَلَى الصَّبِيِّ وَ الصَّبِيَّةِ اِذَا زَنِيَ بِلِ يُوْدُبًا». بر پسر و دختر نابالغ زمانی که زنا کنند حدی نیست بلکه تأدیب می‌شوند. و همین‌طور شیخ طوسی در کتاب النهایه می‌فرماید: «وَ يَجِبُ عَلَى الصَّبِيِّ وَ الصَّبِيَّةِ التَّأْدِيبُ»؛ بر پسر و دختر زناکار تأدیب واجب می‌شود. (فرقانی، ۱۳۸۷: ۱۶۸)

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق^(ع) دربارهٔ پسر نابالغ ده‌ساله‌ای که با زنی زنا کند سؤال شد: حضرت فرمود: پسر کمتر از حد، تازیانه می‌خورد و زن، حد کامل بر او جاری می‌شود. از امام سؤال شد: اگر زن محصنه باشد؟ حضرت فرمود: سنگسار نمی‌شود؛ چون فردی که او آمیزش کرده است بالغ نیست و اگر وی بالغ بود، زن سنگسار می‌شد. (بروجردی، بی تا، ج ۳۰: ۶۳۷)

ب) جرم قذف: امام صادق^(ع) فرمود: «هر بالغی -چه مرد و چه زن- که بر صغیر یا کبیر یا مرد یا زن یا مسلمان یا کافر یا آزاد یا برده افترا بزند، بر او حد افترا است و بر غیر بالغ، حد تأدیب است». (بروجردی، بی تا، ج ۳۰: ۶۳۷)

ج) جرم سرقت: شیخ طوسی در کتاب نهایه فرموده است: «دزدی طفل را در دفعه اول عفو می‌کنند و در دفعه دوم او را تأدیب و تعزیر می‌کنند و در دفعه سوم سرهای انگشتان او را آن قدر می‌تراشند که آلوده به خون گردد. اگر بازهم دزدی کند در دفعه چهارم سرهای انگشتان او را قطع می‌کنند و اگر بازهم دزدی کند دست او را به طریقه بالغ قطع می‌کنند و مستند این قول روایت کثیره است». (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۳۱)

۳-۲. قوانین جزایی افغانستان

۱-۳-۲. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

(یکم) اهداف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال:

۱. اصلاح و تربیت مجدد اطفال مختلف از قانون
 ۲. محترم شمردن نقش اساسی اطفال در اعمار جامعه و حمایت جسمی، اخلاقی، معنوی و رفاه اجتماعی آنها
 ۳. مشخص نمودن مسئولیت والدین، سرپرست یا وکیل قانونی اطفال
 ۴. رعایت کنوانسیون حقوق طفل در جریان تحقیق و بعد از محاکمه
 ۵. استماع بیانات و نظریات اطفال حین تحقیق و محاکمه توسط خود یا ممثل قانونی آنها
 ۶. تشویق به نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غیردولتی به منظور جلوگیری از تخلفات اطفال.
 ۷. حفاظت از اطفال که در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مراقبت و محافظت باشند.
- (ماده ۲)

ب) طرز برخورد قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده سوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در مورد طفل که مورد اتهام قرار گیرد یا مرتکب تخلفات قانونی شود چنین اظهار می‌دارد: «طفل که مورد اتهام قرار گیرد، مرتکب تخلف از قانون شود یا اعمال غیرعادی از خود نشان دهد و یا اینکه نیازمند مراقبت و حفاظت باشد، مطابق احکام این قانون با وی برخورد صورت می‌گیرد».

ج) موقف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در مورد عدم مسئولیت اطفال: ماده پنجم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در رابطه به عدم مسئولیت اطفال در فقره اول و دوم خویش چنین اظهار می‌دارد: (۱) شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم مسئولیت جزایی به او راجع نمی‌شود. (۲) هرگاه جرم مرتکبه مندرج فقره (۱) این ماده ناشی از غفلت والدین بوده و موجب ضرر مادی شود، والدین به جبران آن مکلف می‌گردند.

د) موقف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در رابطه به مجازات: ماده هفتم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در رابطه به مجازات شدید و حقارت آمیز اطفال چنین اظهار می‌دارد: «مجازات طفل حتی به منظور اصلاح و تربیت به طور شدید و حقارت آمیز جواز ندارد»؛ و ماده هشتم این قانون می‌گوید: «حجز طفل به عنوان آخرین راه حل اصلاح و تربیت وی تلقی می‌شود. محکمه در تعیین مدت حجز حداقل مدت ممکنه آن را مطابق احکام این قانون در نظر می‌گیرد».

ه) موقف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در رابطه به کشف و تحقیق جرائم اطفال: ماده نهم: (۱) کشف جرائم اطفال توسط پولیس و بررسی، تحقیق و تعقیب آن توسط حارنوالی اختصاصی اطفال صورت می‌گیرد. بدین منظور حارنوالی اختصاصی اطفال در مرکز ولایات ایجاد می‌گردد... (۴) حارنوالی اختصاصی اطفال نمی‌تواند مستقیماً اقدامات قانونی علیه اطفال که مرتکب جرم شده‌اند، آغاز نماید، مگر اینکه شخص یا مرجعی در این رابطه به حارنوال شکایت تحریری را ارائه نماید.

و) حالات دستگیری اطفال در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده دهم: (۱) در صورت وجود شواهد علنی مبنی بر ارتکاب جرم جنحه یا جنایت، پولیس صلاحیت دارد طفل را در یکی از حالات ذیل دستگیر نماید:

۱. در صورت امکان خطر فرار طفل.
۲. در صورت خطر از بین رفتن اسناد و شواهد جرم.
۳. در صورت امکان خطر تکرار جرم جدید.
- (۲) شخص کمتر از هجده سال دستبند (ولچک) زده نمی‌شوند. مگر اینکه امکان وقوع فرار یا صدمه زدن به خودشان یا دیگران موجود باشد.
- (۳) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد، حین صدور حکم توقیف قبل از محاکمه، عوض توقیف نمودن طفل راه‌های حل مناسب دیگری را مطالعه نماید.
- (۴) اطفال تحت توقیف جدا از بزرگسالان نگهداری می‌شوند.

ز) اطلاع دستگیری اطفال در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۱۱: (۱) پولیس مکلف است موضوع دستگیری و محل مراقبت طفل را در مدت بیست و چهار ساعت از

زمان دستگیری به ممثل قانونی طفل و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اطلاع دهد، در صورت عدم اطلاع مدت مذکور، پولیس مکلف است راپور کتبی موضوع را با ارائه دلایل تأخیر به حارنوالی مربوط توضیح نماید. هرگاه پولیس قادر به ارائه عذر معقول نباشد، موضوع قابل تعقیب عدلی پنداشته می شود. (۲) ممثل قانونی می تواند بلافاصله بعد از دستگیری طفل، رهایی وی را به قید ضمانت تقاضا نماید. پولیس و حارنوال مکلف است در مدت بیست و چهار ساعت در مورد درخواست رهایی طفل تصمیم خویش را اتخاذ و اعلام نماید. در صورت عدم اتخاذ تصمیم، ممثل قانونی وی می تواند، به حارنوال مافوق شکایت نماید. (۳) حارنوال و قاضی می توانند طفل را به قید ضمانت بدون تضمین مالی رها کنند، مگر اینکه حالت وی ایجاب توقیف را نماید.

(۴) ممثل قانونی می تواند رهایی طفل توقیف شده را به قید ضمانت یا تمدید آن را در طول جریان تحقیق یا محاکمه تقاضا نماید. در صورت که محکمه توقیف بیشتر طفل را لازم نداند، می تواند حکم رهایی طفل را بدون ضمانت صادر نماید.

ح) محل نگهداری طفل طبق قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۱۲: «طفل مظنون دستگیر شده در یک محل خاص مؤقتاً تحت توقیف قرار می گیرد. اداره توقیف مکلف است برای طفل تحت توقیف زمینه دسترسی به خدمات اجتماعی، تعلیمی، حرفه‌ی، روحی و صحی را با در نظر داشت اقتضای سن و جنس وی مساعد سازد».

ط) حق داشتن وکیل مدافع در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۲۳: (۱) طفل در تمام مراحل تحقیق و محاکمه حق داشتن وکیل مدافع و مطالبه ترجمان را دارد. در صورت عدم توانائی مالی والدین یا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل مدافع یا ترجمان، محکمه اختصاصی اطفال، وکیل مدافع یا ترجمان را به مصرف دولت برای طفل موظف می نماید.

(۲) ممثل قانونی، وکیل مدافع یا ترجمان حق دارد از کلیه مراحل اجراءات قانونی که توسط حارنوال یا محکمه عملی می گردد، آگاه و در آن اشتراک نماید.

(۳) عدم اشتراک ممثل قانونی طفل حین تحقیق، مانع جریان تحقیق نمی گردد، مگر اینکه حارنوال حضور وی را حتمی بدانند.

ی) احضار طفل در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۲۵: (۱) طفل متهم جهت تحقیق یا محاکمه از طریق ممثل قانونی وی احضار می‌گردد. در صورت که ممثل قانونی طفل را حین احضار همراهی نکند، به حکم محکمه مبلغ پنج صد افغانی جریمه می‌گردد. (۲) هرگاه طفل در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت توقیف باشد، در صورت ضرورت جهت اكمال تحقیق و یا محاکمه جلب آن‌ها از طریق مراکز مذکور صورت می‌گیرد.

(۳) ممثل قانونی طفل، مؤولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا سائر مؤسسات آموزشی و پرورشی مکلف‌اند در صورت ضرورت طفل که تحت مراقبت یا توقیفشان قرار دارد، جهت اكمال تحقیق یا محاکمه در وقت معینه حاضر نمایند.

ک) محرمیت رسیدگی به تخلفات اطفال در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۳۲: (۱) رسیدگی به تخلفات قانونی اطفال طوری سری و ابلاغ حکم در هر حالت به صورت علنی صورت می‌گیرد. (۲) نشر اسناد جریان جلسات محاکمه اطفال به شمول شهادت شهود و نظر اهل خبره در رسانه‌های جمعی جواز ندارد. (۳) افشای معلومات در مورد شخصیت طفل و یا اطلاع که منجر به کشف هویت طفل گردد، تحت هیچ عنوان جواز ندارد. (۴) گزارش جریان جلسه محاکمه ثبت و نگهداری می‌شود.

ل) ابلاغ فیصله در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۳۳: (۱) قضات محکمه اختصاصی اطفال بعد از استماع اظهارات و استدلال طفل، شاهدان، ممثل قانونی، حارنوال، وکیل مدافع، کارمندان مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و نظریات اهل خبره، فیصله خویش را در حضور طفل ابلاغ می‌نماید. (۲) هرگاه نزد محکمه ثابت گردد که اتهامات وارده علیه طفل تحت توقیف وارد نیست، محکمه به رهایی وی حکم می‌نماید. این حکم مانع ادعای حق العبدی مجنی‌علیه و متضرر نمی‌گردد. حارنوال می‌تواند علیه این حکم استیناف خواهی نماید. (۳) هرگاه موضوعات مورد بحث در جریان محاکمه، طفل را روحاً متضرر سازد، محکمه در غیاب طفل جلسه محاکمه را ادامه داده می‌تواند، مشروط بر اینکه خلص جریان محاکمه را بعداً برای وی توضیح نماید.

م) اتخاذ تصمیم در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۳۵: محکمه صلاحیت دارد

در مورد طفل متهم با در نظر داشت حالات یکی از تصامیم ذیل را اتخاذ نماید:

۱. مکلف نمودن به انجام خدمات اجتماعی
 ۲. فرستادن به مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی
 ۳. صدور اخطاریه
 ۴. تعویق محاکمه.
 ۵. تعلیق مشروط مجازات
 ۶. حجز در منزل
 ۷. تسلیم نمودن به یکی از والدین یا شخص که حق سرپرستی وی را دارد
 ۸. اعزام به مراکز اصلاح و تربیت اطفال غرض تحت حجز قرار دادن
- ن) مجازات در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۳۹: (۱) حین تعیین جزای طفل متهم مراتب ذیل مدنظر گرفته می شود:
۱. مجازات طفل که سن دوازده سالگی را تکمیل و شانزده سالگی را تکمیل نکرده باشد، از یک سوم حداکثر مجازات که برای عین جرم ارتکاب شده توسط اشخاص بلندتر از سن هجده سالگی در قانون جزاء پیش بینی گردیده است، بیشتر بوده نمی تواند.
 ۲. مجازات طفل که سن شانزده سالگی را تکمیل و هجده را تکمیل نکرده باشد، از نصف (۲/۱) حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بلندتر از سن هجده سالگی در قانون جزاء پیش بینی گردیده است، بیشتر بوده نمی تواند.
 ۳. طفل به جزای حبس دوام یا اعدام محکوم شده نمی تواند.
 - (۲) مدتی را که طفل در توقیف به سر می برد از مدت حجز محکوم بها کاسته می شود. (قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، ۱۳۸۴)
- دوم) کود جزا: ماده ۹۹: «طفل به جزای اعدام، حبس یا جزای نقدی محکوم نمی شود».
- آنچه در نظریات فقه حنفی، فقه امامی و قوانین جزایی در رابطه به حمایت های کیفری از اطفال بزه کار مطالعه گردید به خوبی و واضح دریافت می شود که فقه و قوانین از اطفال بزه کار به طور روشن حمایت نموده است، به خصوص در جرائم زنا، قذف و سرقت که از جمله مهم ترین و درعین حال شدیدترین جرائم هستند. مهم ترین حمایت را که می توان در

این زمینه بیان نمود عبارت از آن است که جزای حد را از اطفال برداشته است و همچنان طبق کود جزای کشور جزای حبس، اعدام و جزای نقدی از اطفال برداشته شده است و به آن محکوم نمی‌گردد.

۴. حمایت فقه حنفی، امامی از اطفال بزه‌دیده

۱-۴. فقه حنفی

الف) در جرم قتل: کسی که کودک را در آب غرق کرد یا بالغ را در دریا غرق کرد، نزد امام ابوحنیفه قصاص نیست. دلیل امام ابوحنیفه این است که آب آله قتل نیست پس حکم این حکم شمشیر نیست بلکه حکم تازیانه و عصا را دارد.

در آن‌ها دیه واجب است؛ زیرا که در حدیث آمده است که در شبه عمد و هر قتل خطا دیه واجب می‌شود و حدیث این است: «أَلَا إِنَّ قَتِيلَ خَطَا الْعَمْدِ قَتِيلَ السُّوْطِ وَالْعَصَا فِيهِ وَفِي كُلِّ خَطَا إِرْشٍ» لَهَذَا فِي صُورَةِ مَذْكُورٍ نِيزِ دِيَهٍ وَاجِبَةٌ. (مولانا شاه فیصل، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۵)

ب) در جرم زنا: به عقیده ابوحنیفه (ره) و پیروانش، چنانچه مرد عاقل و بالغ با زن دیوانه یا دختر صغیری که نزدیکی با وی مقذور باشد، زنا کند، حد بر او واجب می‌گردد؛ زیرا عمل وی زنا محسوب می‌گردد و معذور بودن طرف مقابل، باعث سقوط حد از طرف زانی نخواهد بود. (عوده، ۱۳۹۴، ج ۲: ۴۱۷)

۲-۴. فقه امامی

الف) در جرم قتل: شخص سالم در حالی که غافل است، بر کودک یا دیوانه یا بیمار مطلقاً [چه فاغل باشد و چه نباشد] فریاد برآورد و به سبب این فریاد جنایتی بر ایشان وارد آید، در مال خود ضامن آن می‌باشد، چون خطای شبه عمد است. (شهید ثانی، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۱۵۲)

اما بالغ به واسطه کشتن کودک، کشته می‌شود، بنا بر قول صحیح‌تر به خاطر عموم آیه «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» (مانده، ۴۵) ابوالصلاح گفته است: اگر بالغ، کودک را بکشد، دیه واجب می‌شود، مانند آنجا که دیوانه را می‌کشد، چون کودک و دیوانه در نقصان

عقل مشترک اند. اشکال این سخن آن است که دیوانه با استناد به دلیل خاص از حکم قصاص خارج شده است و گرنه آیه آن را نیز شامل می‌شود و چنین دلیلی برای خارج کردن کودک از حکم آیه وجود ندارد. علاوه بر آنکه فرق روشنی میان کودک و دیوانه است و نمی‌توان او را به دیوانه قیاس کرد. اگر شخصی عاقلی کسی را که با قتل او قصاص ثابت می‌شود بکشد، آنگاه دیوانه شود، قصاص خواهد شد هر چند در حال دیوانگی باشد، چون حق قصاص در زمان که عاقل بوده بر ذمه‌اش ثابت شده است پس استصحاب و ابقا می‌شود، مانند دیگر حقوق. (شهید ثانی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۸۰)

عقیده اکثر علمای امامیه این است که اگر شخص بالغی کودکی را به قتل رساند مستحق قصاص است؛ و دلیلشان عموم ادله‌ای است که در باب قصاص از روایات و آیات شریفه قصاص استفاده می‌شود. از جمله آیه شریفه: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرِّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى»؛ قصاص بر شما واجب شده است شخص آزاد در مقابل شخص آزاد و برده در مقابل برده و مؤنث در مقابل مؤنث. عموم و اطلاق این آیه شامل کسی است که کودک را بکشد نیز می‌شود زیرا حر و آزاد بر کودک نیز اطلاق می‌شود؛ و همچنین اطلاق کلمه «الانثی بالانثی» یعنی مؤنث در مقابل مؤنث قصاص می‌شود نیز اطلاق دارد زیرا آیه نفرموده است: «زن بالغه در مقابل زن بالغه» تا شامل دختر خردسالی که به سن بلوغ نرسیده است نگردد؛ بنابراین به اطلاق این آیه می‌شود برای اجرای قصاص در مانحن فیه تمسک کرد. (فرقانی، ۱۳۷۸: ۲۴۱)

ب) در جرم زنا: اجرای حد بر زن زناکار که حامله است تا زمان وضع حمل به تأخیر می‌افتد، اگرچه آن حمل از زنا باشد و صبر می‌کنند تا زن شیرآغوز را به نوزاد بنوشاند و اگر شیردهنده‌ای برای نوزاد نبود، او را شیر دهد، آنگاه بر او حد جاری می‌شود. البته این در صورتی است که حد، سنگسار باشد؛ اما اگر تازیانه باشد، پس از گذشت ایام نفاس او را تازیانه می‌زنند مشروط بر آن‌که در معرض تلف شدن قرار نگیرد، یا آنکه برای نوزاد شیردهنده‌ای یافت شود؛ و اگر نه [یعنی اگر زن در معرض تلف شدن واقع شود و کسی دیگری نباشد که نوزاد را شیردهد] پس از شیردادن نوزاد [و بی‌نیاز شدن او از شیر مادر] او را حد می‌زنند. برای تأخیر انداختن حد از زن همین اندازه کافی است که او ادعا کند حامله

است، اما صرف احتمال حامله بودن کفایت نمی‌کند. (شهید ثانی، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۹۷). آنچه که در نظریات فقه حنفی، فقه امامی و قوانین جزایی در رابطه به حمایت‌های کفتری از اطفال بزه‌دیده مطالعه گردید به روشنی قابل فهم است که فقه و قوانین از اطفال بزه‌دیده نیز به‌طور روشن حمایت نموده است و هر زمانی که کسی یا کسانی علیه اطفال جرایمی را مرتکب شوند از آن‌ها حمایت صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

آنچه در نظریات فقه حنفی، فقه امامی و قوانین جزایی در رابطه به حمایت‌های کفتری از اطفال بزه‌کار و بزه‌دیده مطالعه گردید به‌خوبی دریافت می‌شود که فقه و قوانین جزایی از اطفال بزه‌کار و بزه‌دیده به‌طور روشن حمایت نموده است، بخصوص در جرائم زنا، قذف و سرقت که از جمله مهم‌ترین و درعین حال شدیدترین جرائم هستند، حمایت صورت گرفته است و مهم‌ترین حمایت را که می‌توان در این زمینه بیان نمود عبارت از آن است که جزای حد از اطفال برداشته شده است و همچنان طبق کفایت جزای کشور جزای، حبس، اعدام و جزای نقدی از اطفال برداشته شده و به آن محکوم نمی‌گردد. به همین شکل در رابطه به اطفال بزه‌دیده نیز حمایت صورت گرفته است و به‌روشنی قابل فهم است که فقه و قوانین جزایی از اطفال بزه‌دیده نیز به‌طور روشن حمایت نموده است و هر زمانی که کسی یا کسانی علیه اطفال جرایمی را مرتکب شوند از اطفال حمایت صورت می‌گیرد و برای مرتکبین شدیدترین مجازات مدنظر است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. امینی، لیافت علی، (۱۳۹۶)، حمایت کیفری از زنان بزه‌دیده در قوانین و مقررات افغانستان، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات حقوق اسلامی، سال سوم، شماره هفتم.
۲. آیت الله العظمی بروجردی، سید حسین، (بی تا)، منابع فقه شیعه، مترجمان: احمداسماعیل تبار، احمدرضا حسینی و محمدحسین مهوری، تهران: فرهنگ سبز.
۳. حنیف، پوهنمل مفتی محمدولی، (بی تا)، فقه عقوبات (حقوق جزای عمومی اسلام)، ج اول.
۴. شامیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، تهران: انتشارات مجد.
۵. شهید ثانی، (۱۳۸۴)، ترجمه و تبیین شرح اللمعه ج ۱۳ و ۱۴، مترجم، علی شیروانی، تهران: مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ پنجم.
۶. شیرازی حسینی، سید صادق، (۱۴۲۳)، رساله توضیح المسائل، چاپ اول.
۷. صاحبزاده، ضیاء الله، (۱۳۹۴)، فرهنگ اصطلاحات سیاسی و حقوقی، کابل: انتشارات مستقبلی.
۸. عوده، عبدالقادر، (۱۳۹۴)، حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، مترجم، دکتر حسن فرهودی نیا، تهران: نشر احسان.
۹. غلامی، حسین، (۱۳۸۵)، مبانی حقوقی عدالت جزایی در افغانستان، بی تا.
۱۰. فرقانی، منصور، (۱۳۸۷)، مبانی فقهی و حقوقی جرائم و تأدیب کودک، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، شماره ۱۲۶.
۱۱. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲.
۱۲. مولانا شاه فیصل فاضل وفاق المدارس و امدادالعلوم، (بی تا)، تسهیل الهدایه، ج ۴، مترجم، مولانا محمدداود صاحب.

۱۳. مولانا شاه فیصل فاضل، وفاق المدارس و امدادالعلوم، (بی تا)، تسهیل هدایه، ۸، مترجم، مولوی نصرالله منصور تخاری.
۱۴. وزارت عدلیه، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، جریده رسمی، شماره ۸۴۶، سال ۱۳۸۴.
۱۵. وزارت عدلیه، کودجزا، ۱۳۹۶.
۱۶. یوسفزی پوهنمل نورجهان، (۱۳۹۷)، تخلفات اطفال در افغانستان، انتشارات سعید.